

می بینیم که قسمت اول یعنی ثنای پروردگار را در تقریباً سه سطر و مدح رسول اکرم و اهل بیت و اصحاب او را در دو سطر نوشته است و مدح شاه و بستگان او را تقریباً در پنجاه سطر یعنی ده برابر دو قسمت اول نوشته است و سبب تالیف را فصل جداگانه در تقریباً بیست سطر آورده است.

مقدمه زبدة التواریخ تالیف شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبد الرشید خواری مدعو بحافظ ابرو که در حدود عشر دوم و سوم سده نهم هجری نوشته شده و مشتمل بر دو قسمت است. قسمت اول که در حقیقت دو قسمت است یعنی شکر خالق و رسول اکرم در دو سطر، قسمت دوم نیز که مشعر بر دو قسمت است ستایش پادشاه وقت و سبب تالیف آنهم بسیار مختصر و مفید.

(قسمت اول) بسم الله الرحمن الرحيم وبه تقنی و رجائی الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة و السلام علی رسولہ و خیر خلقه محمد و آله اجمعین.

(قسمت دوم) اما بعد چنین گوید مؤلف ابن تالیف.

بند کمتربین دولتخواه
 آنکه شهرت بحافظ ابرو یافته پیش شاه میر و سپاه

که حضرت بارفتم پادشاه اسلام سلطان سلاطین زمان واسطه امن و امان خلاصه نوع انسان باسطه عدل و احسان مهر سپهر بختیاری بانی کاخ شهریاری مظهر لطف الهی مصدر فیض نامتناهی صورت رحمت آفریدگار مقصود آفرینش هشت و چهار ناصب الالویة الشاهیة المؤید بتأییدات الالیه ماحی ظلم و طغیان المنظور بانظار الملك الدیان.

قهرمان دین و دوات مظهر لطف الهی باسبان ملک و ملت خسرو عالم پناه معین الحق و الدنیا و الدین غیاب الاسلام و المسلمین العدل الملوک فی العالمین شاه رخ بهادر خان النافذ احکامه و او امره فی الخافقین المضروب خيامه فوق الفرقدین اللامع باوقات جلالة علی مفارق النسرین المذكور القابه المقدسه علی منابر الحرمین بنابر شعفی که بمطالعه احوال گذشتگان دارد.

(از اینجا سبب تألیف را ذکر میکنند) خواست که جنگی در فن تواریخ ترتیب نماید بکتاب تاریخ طبری و جامع التواریخ صاحب اعظم دستور السوزراء فی العجم خواجه رشید الحق و الدین فضل الله طیب طب الله تراه اشارت فرمود و چون آن کتاب در آخر دولت سلطان مرحوم مغفور غازان خان طیب الله تراه اشارت خاطر همایون ملتفت آن شد که از وقت باز شرح احوال و افعال و تقیید اخبار آنار ملوک و سلاطین تا بایام همایون و روزگار میمون بر ترتیب مفصل گشته الی بوهنا که تاریخ هجریه هشتصد و بیست رسیده است در قید کتاب آید چنانچه جامع التواریخ رشیدی را ذیلی باشد این بنده را مأمور گردانید هر چند این کمینه خود را اهلیت و استحقاق آن نمیداند که باستیناف چنین مهمی اشغال نماید و بعرضه لجه چنین بحری عمیق اقتحام کند فاما کرم عمیم خداوندی که بر شاه راه قبول خوان افضال و احسان نهاده است بحصول این امنیت مکفل فرمود و بادراك این امنیت تقبل نمود بمقدار قدرت و اندازه طاقت چنانکه باید عرفای حکایات و دررات روایات را بکلك تلفیق کشیده و از اوزان دولت او لجابتو سلطانی محمد خدا بنده انارالله مرقدہ آغاز کرد. متوقع از مخادیمی که این اوراق را بشرف مطالعه مشرف گردانند آنکه چون هر سهو و خطائی که هر آینه از آن مصون نخواهد بود وقوف یابند بشرف اصلاح در بیخ نفرمایند توفیق رشاد و هدایت صدق و صواب از حضرت رب الرباب مستلت میرود انه اکرم مستول و ارحم مأمول (از اینجا شروع به مطلب و ذکر تاریخ میشود هر گاه بانظر انصاف بنگردند این دیباچه و مقدمه بسیار سلیس و فصیح و مختصر است و با آنکه پادشاه وقت فاضل دوست و دانشمند پرور بوده است و مقتدر و نامی این مورخ و ادیب در مدح او اطنا ب نفرموده است؛ و انشاء آن بسیار بلیغ و فصیح و خوش مضمون است الا اینکه به سلیقه و ذوق مردم امروز چند کلمه مشکل و غیر معمول دارد.

